



دکتر امیر هوشنگ امینی

## تصور ناراست یا خود فریبی

اینکه اقتصاد کشور از هر نظر دورانی بی سابقه را از سر می گذرانند، به نظر نمی رسد بر کسی پوشیده یا با آن مخالفتی باشد.

اما نکته درخور توجه اینکه این روزها با ورود به مذاکرات "برجام" دروین همه کارگزاران و به طور کلی، از کارگزاران اداره امور اقتصادی کشور گرفته تا مذاکره کنندگان برجام (که از وین بازگشته اند و قرار است باز برای ادامه مذاکرات راهی وین شوند) و اقتصاددانان ها و مردم عادی، نظرات گوناگونی در باره آینده و آثار و نتایج مذاکرات برجام در وین بر نرخ تورم ارائه می دهند. نظراتی که بیشتر ناشی از تصورات ناراست یا خودفریبی است زیرا بیشتر نظرهای ارائه شده مبتنی بر این است که چنانچه مذاکرات موفقیت آمیز باشد، یا آن که روشن تر تحریم ها برداشته شود و پول های مسدود شده ایران در خارج آزاد و برگردانده شود، دولت می تواند مانع ادامه کاهش قدرت خرید "ریال" یا روشن تر افزایش تورم شود و مورد روشن آن اینکه دولت با "سناریوی ایده آل ارزی (که واقعا معنایش بر نگارنده روشن نیست)، و روانه نکردن ارز آزاد شده به بازار، به دنبال مهار تورم، نرخ ارز را با نرخ تورم تعدیل خواهد کرد و... .

و این به ظاهر مناسب ترین سناریویی می باشد که این روزها برخی ارائه داده اند، بی توجه به این که در شرایط کنونی اقتصادی یا به عبارت دیگر عرضه و تقاضای کالا و خدمات، چگونگی تعدیل نرخ تورم که در نظر است نرخ ارز با آن تعدیل شود بیان نشده است. .

و اما چنانچه خوانندگان گرامی پذیرای این راستینه باشند که تورم به ساده ترین زبان جز افزایش حجم پول در گردش در برابر کالا و خدمات در اختیار نیست، در این صورت روشن است که آزاد شدن پول های مسدود شده در خارج بیش از آن که به افزایش تولید کالا و خدمات بیانجامد افزایش حجم پول در گردش را در پی خواهد داشت، آن هم با رسمیت دادن به کاهش برابری ریال در لایحه بودجه سال آتی از ۴۲۰۰۰ به ۲۳۰۰۰۰ ریال .

بنا براین ادامه وضعیت نه تنها کاهش نرخ تورم را سبب نخواهد شد، بلکه سبب افزایش و تشدید آن خواهد شد.

مشکل اساسی اقتصاد ایران صرف نظر از نبود مدیریت متناسب در این سال ها، بیش از آن که ناشی از کمبود منابع پولی باشد ناشی از چگونگی مدیریت ناراست امور اقتصادی کشور و تصور امکان حفظ استاندارد تصنعی نامتناسب برقرار با توان سرانه تولیدی کشور است که همواره به آن اشاره شده است.

برقراری الگو یا استاندارد واقعی زندگی، متناسب با متوسط درآمد سرانه تنها با تن دادن به واقعی سازی قیمت ها و این راستینه میسر خواهد شد که برای مثال در الگوی واقعی زندگی، مبنای خط فقر حداقل حقوق و دستمزد قانونی تعیین، و با حذف کلیه یارانه های

آشکار و پنهان عام و بخشی، همراه با اصلاحات بودجه‌ی، متضمن اصلاحات پولی/مالی، گروه‌های آسیب‌پذیر یا در خط فقر با کاهش هزینه زندگی و براساس مکانیزم مربوط حمایت قرارگیرند.

پایان سخن، بنا به درخواست، درمورد لایحه بودجه ۱۴۰۱، به دور از اصل مطلب، با اشاره به کم و کیف لایحه از یک سو مشکل آب زاینده رود و کشاورزان، اجاره نشینان، و...، از سوی دیگر به روشنی مشخص است که به طور نمونه در مورد لایحه بودجه کارگزاران مربوط به هیچ روی نمی‌دانند سخن بر سر چیست؟ بنابراین باید پذیرای این راستینه بود که حل نسبی مشکل اگر نه صددرصد اما به هر روی در گروهی روشن بودن صورت مسئله و توان پاسخ‌گوئی به آن است. تورم و نبود منابع مالی و اثرگذاری این دو بر یکدیگر همراه با توان علمی و تجربی موردنیاز به دور از ذهنیت شکل گرفته در اقتصاد حاکم.

مرور آمار و ارقام و سیاست‌های ناظر بر لایحه بودجه گویای آنست که تاکنون لایحه‌ی چنین تورم‌زا و کاهش آفرین منابع قابل استحصال به قوه مقننه ارائه نشده است که البته پرداختن به آن همانگونه که هزینه اداره و نگهداری شهر تهران براساس اصول، عهده شهروندان است، چنانچه شهرداری موفق به تامین هزینه‌ها از این طریق بشود دولت هم موفق به تامین هزینه‌ها و مانع تورم سه رقمی در سال آینده خواهد شد.

حل مشکل اقتصاد کشور در گروهی پذیرش تصنعی بودن غیر قابل ادامه استاندارد زندگی و بنا به اشاره ضرورت تعیین حداقل حقوق و دستمزد مصوب به عنوان اساس الگوی زندگی، آنهم برای یک سال و نه بیشتر و...، می‌باشد

اما در مورد حل مشکل زاینده رود نخستین گام انتقال کلیه صنایع آب بر از اطراف زاینده رود و منابع آن، به سواحل خلیج فارس و دریای عمان است و نه جز این، درحالی که رهائی از مشکل هزینه‌های سالانه نگاهداری و استهلاک واحدهای مسکونی خالی متعلق به بانک‌ها و موسسه‌های دولتی و وابسته تنها با واگذاری طولانی مدت بدون بهره یا حداکثر دو تا چهارصد به فاقدین مسکن ملکی میسر خواهد بود، در صورتی که مشکل اجاره نشینان با احیاء و اصلاح قانون موجر و مستاجر مصوب سال ۵۶ تا اندازه‌ی قابل حل است.

در نهایت اینکه ورود به توسعه اقتصادی تنها با واقعی سازی قیمت‌ها، ادغام کلیه خود رو سازی‌ها در یک یا دو شرکت، تدوین برنامه‌ی متضمن اصلاح ساختاری اقتصاد کشور و...، و به دور از حضور ذهنیت اقتصادی شکل گرفته در اقتصاد حاکم دولتی، میسر خواهد بود، و نه جز این.

\* \* \* \* \*